

رابطه‌ی بلوغ با مسئولیت کیفری^۱

مریم حسینی آهق^۲

دانش آموخته‌ی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، رشته‌ی فقه و

حقوق، تهران، ایران.

حسین مهرپور^۳

استاد دانشگاه شهید بهشتی، گروه حقوق اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

بر اساس شریعت اسلام اجرای تدابیر اصلاحی و تأدیبی پس از رسیدن به سن تمییز امکان‌پذیر است و با رسیدن به بلوغ، امکان مجازات کامل به وجود می‌آید. بلوغ به عنوان یکی از شروط مسئولیت کیفری به معنای مشهور فقهی آن در میان فقهای امامی، رسیدن به نه سالگی در دختر و ۱۵ سالگی در پسر است. در این مقاله، این نظریه با سیره‌ی عقلا درباره‌ی رشد عقلی و اصل عدالت به مناقشه کشیده شده است.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، بلوغ، رشد عقلی، اهلیت، مسئولیت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۳/۳۱ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۴/۱۲

۲. پست الکترونیکی (مسئول مکاتبات): maryamhosseinia@yahoo.com

۳. پست الکترونیک: mahrpour.h@yahoo.com

مقدمه

مسئولیت کیفری به معنای قابلیت انتساب جرم به افراد و امکان تحمیل کیفر بر آنان است (نوربها، ۱۳۸۲ش، ص ۲۱۰؛ بوشهری، ۱۳۷۹ش، ص ۳۹). مسئولیت کیفری صفت و حالتی است که همواره همراه شخص است و ارتباطی با ارتکاب جرم ندارد یا به معنای تحمیل تبعات جزایی جرم بر مرتکب آن و التزام شخص به پاسخ‌گویی به نتایج جرم است. تحمیل این تبعات جز بر کسی که صلاحیت تحمیل را داشته باشد، میسر نیست (ابوالروس، ۲۰۰۱م، ص ۷۱). در صورتی که فاعل دارای شرایط مسئولیت کیفری باشد، جرم به او منتسب و بر حسب میزان قابلیت سرزنش مجازات می‌شود.^۱ یکی از خصوصیات که وجود آن برای انتساب جرم لازم است، رسیدن به رشد جسمی و عقلی است (شامبیاتی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۲۴-۲۵). آنچه در مسئولیت کیفری مهم است، داشتن توانایی برای شناخت (ادراک) کافی است (محمدعوض، ۱۹۹۴م، ص ۴۷۵). ادراک، قدرت عقل در به‌دست‌آوردن آگاهی از خود و پیرامونش است. ادراکی که در دایره‌ی اهلیت کیفری اهمیت دارد، ادراک علیت، ادراک حسن و قبح و نیز ادراک سود و زیان است. ادراک و تشخیص اعمال ممنوعه و درک ضمانت اجرای آن، یعنی تحمل کیفر، فرد را سزاوار سرزنش می‌کند. درک نظام اجتماعی و لزوم رعایت قوانین آن، نشانه‌ی رسیدن به مسئولیت کیفری است. در این حالت، فرد از کودکی خارج می‌شود و بالغ به حساب می‌آید.

رسیدن به بلوغ عقلی و دستیابی به ادراک لازم، نتیجه‌ی نضج و یادگیری است. نضج به معنای دارا شدن توانایی‌های عقلی با گذشت زمان است. تکامل هر شخص نتیجه‌ی نضج توانایی‌های فطری او و تعدیل همین نیروها و توانایی‌ها تحت تأثیر محیط و یادگیری و تمرین است. بنابراین دو عامل نضج و یادگیری با هم باعث رشد می‌شوند (شعاری‌نژاد، ۱۳۴۹ش، ص ۴۹-۵۰؛ ناعمی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۹). سرعت گذر از هر مرحله از رشد به مرحله‌ی دیگر تابع شرایط اجتماعی و تربیتی است که در هر کشور حاکم است (سیلامی، ۲۰۰۰م، ج ۶، ص ۲۶۱۸). بنابراین رشد قوای عقلی در افراد یکسان نیست (زکی أبوعامر، ۱۹۸۱م، ص ۱۹۴-۱۹۲). در یک سیستم عادلانه، مجازات و مسئولیت همواره متناسب با ادراک تعیین می‌شود. ظهور ادراک و اراده‌ی آگاه در فرد تدریجی است، از این رو صلاحیت شخص برای عهده‌دار شدن مسئولیت به تدریج کامل می‌شود و دارای مراتب شدت و ضعف و وابسته به مقدار ادراک فرد از عمل مجرمانه است (زلمی، ۱۹۸۱-۱۹۸۲م، ج ۱، ص ۷۱؛

۱. (عنصر روانی + رشد + اختیار = تقصیر).

شوربجی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۲۰-۳۱۹؛ زکی أبو عامر، ۱۹۸۱م، ص ۱۵۱). عرف و ارتکاز عقلا، اعطای مسئولیت کیفری را در صورتی عادلانه می‌بیند که اعطای این مسئولیت به صورت تدریجی و براساس میزان ادراک و رشد عقلی باشد. مبنا قرار دادن نظر عرف در این باب بنا بر مبنای معتبر بودن ارتکاز عقلا در شناخت مصادیق عدالت، نمی‌تواند غیرشرعی و مخالف با دین به حساب آید. باید توجه داشت که آن‌چه در ایجاد مسئولیت کیفری مؤثر است و به عنوان ملاک در مجازات پذیرفته شده، تشخیص جرم است (مرعشی، ۱۳۷۹ش، ص ۵). بر پایه‌ی میزان ادراک به طور طبیعی سه مرحله برای هرکس قابل پیش‌بینی است: مرحله‌ی عدم مسئولیت، مرحله‌ی مسئولیت نسبی و مرحله‌ی مسئولیت تام (اردبیلی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۱۱۲). فرد در مرحله‌ی عدم مسئولیت به واسطه‌ی فقدان تمییز ناشی از صغر سن، از درک حسن و قبح افعال خویش عاجز است و نمی‌تواند در برابر رفتارش واکنشی کیفری در نظر گرفت. چنین افرادی، نیازمند آموزش شیوه‌ی درست زندگی و برخورد اجتماعی هستند. صبی و مجنون مانند آلت جرم هستند که هیچ‌گونه مسئولیتی ندارند (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۹۷؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۲۲). با آغاز مرحله‌ی تمییز، واکنش‌های اجتماعی و تربیتی نیز شروع می‌شود که فرد را برای ورود به مرحله‌ی مسئولیت کیفری آماده می‌سازد. تعزیر با ظهور اولین مراتب ادراک و اراده‌ی آگاه، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. البته اعمال مجازات‌های مشابه با بزرگسالان شایسته نیست، بلکه اتخاذ سیاست‌های تربیتی، تأمین‌ی در جهت تعلیم و تربیت، آموزش‌های اجباری، حبس‌های منطبق با اسلوب علم زندان‌ها و در مراتب بالاتر مجازات‌های کیفری متناسب با ادراک، ضروری به نظر می‌رسد. نقصان رشد و سفاکت در امر کیفری و عدم تشخیص جرم می‌تواند گونه‌ی دیگری از آن باشد. رفع تکلیف از غیر مقدور، شهادی بر پذیرش مسئولیت نسبی هستند. یکی از روایات رسیده از امام باقر "علیه السلام" نیز می‌تواند به این امر دلالت داشته باشد.^۱ در این روایت در کنار حدود کامل (مسئولیت تام) مسئولیت نسبی قرار گرفته است. به این ترتیب فقها اجرای حدود کامل را در مورد صغیر جایز ندانسته‌اند و تنها در صورت ممیز بودن صغیر، تعزیر او را روا دانسته‌اند

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَرَّازِ عَنْ يَزِيدَ الْكِنَاسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: الْجَارِيَةُ إِذَا بَلَغَتْ تِسْعَ سِنِينَ ذَهَبَ عَنْهَا التُّيْمُ وَ زَوَّجَتْ وَ أُقِيمَتْ عَلَيْهَا الْحُدُودُ النَّامَةُ لَهَا وَ عَلَيْهَا قَالَ قُلْتُ الْعَلَامُ إِذَا زَوَّجَهُ أَبُوهُ وَ دَخَلَ بِأَهْلِهِ وَ هُوَ غَيْرُ مُدْرِكٍ أَوْ تَقَامَ عَلَيْهِ الْحُدُودُ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ قَالَ أَمَّا الْحُدُودُ الْكَامِلَةُ الَّتِي يُؤْخَذُ بِهَا الرِّجَالُ فَلَا وَ لَكِنْ يُجْلَدُ فِي الْحُدُودِ كُلِّهَا عَلَى مَبْلَغِ سِنِّهِ وَ لَا تَبْطَلُ حُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْفِهِ وَ لَا تَبْطَلُ حُقُوقُ الْمُسْلِمِينَ بَيْنَهُمْ (حرعاملی، ج ۲۸، ص ۲۰).

(مامقانی، ص ۴۹۶ و ۵۰۲). تمام عقلای عالم رشد عقلی و داشتن ادراک کامل از عمل را مبنای مسئولیت کامل کیفری قرار داده‌اند. مسئولیت کامل کیفری زمانی به وجود می‌آید که تعادل بین عواطف و احساس جوانی ناشی از بلوغ و حال اندیشی و نیز رشد جسمی و رشد عقلی کودک به وجود می‌آید. بنابراین توسل و توجه به اصول علمی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی در تشخیص آن ضروری است. باید توجه داشت که اعطای زود هنگام مسئولیت کامل کیفری پیش از دستیابی به رشد جسمی و عقلی کامل، از حیطة عدالت خارج است.

در جوامع بدوی، رسیدن به بلوغ جسمی به معنای بزرگسال شدن بود. نوجوانان لباس بزرگسالان را می‌پوشیدند و رفتاری همانند بزرگسالان داشتند. قبایل نیز مسئولیت و رفتاری همانند دیگر بزرگسالان از آن‌ها انتظار داشتند. دوره‌ی نوجوانی و متمایز ساختن آن از کودکی و بزرگسالی در قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت (کوته، ۲۰۰۰م، ص ۱۷). پیش از آن، هر فرد با رسیدن به بلوغ، به جهان بزرگسالان قدم می‌نهاد^۱ (پاپالیا، ۲۰۰۲م، ص ۳۷). بنابراین آن چه موجب شکل‌گیری مرحله‌ی نوجوانی و طولانی‌تر شدن آن در جوامع امروزی شده، مربوط به طبیعت و ساختار فیزیولوژیک انسان نیست، بلکه بیش‌تر ناشی از تغییرات بسیار زیادی است که در شیوه‌ی زندگی به وقوع پیوسته و امری اجتناب‌ناپذیر است (عمادالدین اسماعیل، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۵۷-۱۶۱). به تعبیر دیگر، نوجوانی دوره‌ای است که به سبب تعارض رشد فردی با رشد جامعه، پیش‌بینی شده است (رز، ۲۰۰۵م، ص ۱۱۵). مرحله‌ی نوجوانی با بلوغ^۱ آغاز می‌شود و با توقف رشد و تکمیل عمومی (بزرگسالی) پایان می‌یابد. ورود به مرحله‌ی بزرگسالی بر پایه‌ی تحولات روانی است نه تحول زیست‌شناختی. به تعبیر دیگر، نوجوانی فرصتی است برای تعمیق رفتارهای اجتماعی و کسب رفتارهای بزرگسالانه و دوره‌ای است برای شکل‌گیری ساخت‌های عقلی و تغییرات عاطفی و استقرار افکار انتزاعی و آماده شدن برای ورود به جرگه‌ی بزرگسالان (منصور، ۱۳۸۸ش، ص ۲۰۱، ۲۰۸ و ۲۰۹). رسیدن به رشد کامل جسمی پیش از دستیابی به رشد کامل روانی از ویژگی‌های اصلی دوره‌ی نوجوانی است (محمدعوض، ۱۹۹۴م، ص ۱۵۴). جهانی‌شدن موجب شباهت بسیار زیادی میان نوجوانان کشورهای مختلف شده است. با این حال هنوز هم

۱. بلوغ جنسی امری تدریجی است. متوسط سن بلوغ کامل جنسی در دختران ۱۳ سالگی و پسران ۱۴ سالگی است. بلوغ جنسی مرحله‌ای از تحول زیست‌شناختی است که با ظهور خصیصه‌های جنسی ثانوی آغاز می‌شود و زمانی که فرد آمادگی تولید مثل را به دست می‌آورد، پایان می‌پذیرد.

تفاوت‌های فرهنگی، هم‌چنان حایز اهمیت‌اند. مرحله‌ی نوجوانی تابع شرایط عرفی، جغرافیایی، سطح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر پذیر است (برگر، ۱۳۸۸ش، ص ۵۵۵؛ محمود عوض، ۱۹۹۹م، ص ۱۳۹). تأثیر محیط اجتماعی در تحوّل نوجوانی بیش از کودکی است و همین باعث اختلاف نظر روان‌شناسان در تحدید دوره‌ی نوجوانی شده است. نقش تجربه و محیط در شکل‌دهی شخصیت و توانایی‌های نوجوان بسیار مؤثر است. نوجوانان از نظر جسمی رشد یافته‌اند، اما از نظر روان‌شناسی، به شدت تابع شرایط محیطی و اجتماعی خود هستند. روان‌شناسی تفاوت‌های جنسی^۱ نیز نشان می‌دهد که در حال حاضر بین زنان و مردان در این زمینه تفاوتی وجود ندارد (منصور، ۱۳۸۸ش، ص ۲۱۱، ۲۱۷ و ۲۲۹؛ برگر، ۱۳۸۸ش، ص ۵۰۹؛ سیلامی، ۲۰۰۰م، ج ۵، ص ۲۳۴۴ و ۲۳۴۷؛ ناعمی، ۱۳۸۷ش، ص ۷۴).

معلوم شد که رسیدن به بلوغ، ورود به مرحله‌ی بزرگسالی شناخته می‌شد. انتظارات و مسئولیت‌های بزرگسال به طور کامل با رسیدن به بلوغ به افراد تفویض می‌شد. این رویه در میان مسلمانان، مانند بقیه‌ی جوامع انسانی، پذیرفته شده بود و به طور کامل در منابع فقهی نمود یافته است. بر اساس شریعت اسلامی، اجرای تدابیر اصلاحی و تأدیبی پس از رسیدن به سن تمییز امکان‌پذیر است و با به کمال رسیدن تمییز، امکان مجازات کامل به وجود می‌آید. به نظر فقها، کودکانی که به سن تمییز رسیده‌اند و نسبت به عواقب کارهایی که انجام می‌دهند، آگاهی دارند، می‌توان تأدیب کرد. تأدیب و تنبیه آنان در شرع به عهده‌ی اولیای کودک و افرادی که از سوی اولیا اجازه‌ی تنبیه دارند، مانند معلمان و در مواردی به عهده‌ی قاضی گذاشته شده است. تأدیب کودک باید متناسب با شرایط او و بزه‌ی ارتكابی باشد. فتوای امام خمینی^(ع) مبنی بر تأدیب کودک حسب نظر سرپرست او (امام خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۷۷) و نظر ابن ادریس حلی در نرسیدن تأدیب به مرحله‌ی حرج و زیان کودک (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷-۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۷۴)، نشان دهنده‌ی لزوم توجه به تناسب تأدیب با شرایط کودک همانند سن، وضعیت فیزیکی و ادراکی کودک است. بنابراین تأدیب قضایی کودکان نوعی تعزیر است که قاضی برای کمک به اولیا در تربیت کودک انجام می‌دهد. فلسفه‌ی تأدیب در اسلام، تعلیم و اصلاح اخلاق و سلوک کودک است و هیچ‌گونه جنبه‌ی مقابله به مثل و انتقام در آن وجود ندارد. از این‌رو تعزیر و تأدیب، آخرین مرحله از مراحل تربیت به حساب می‌آید. بیش‌تر انحرافات کودکان، ناشی از سوء تربیت و بی‌کفایتی اولیا اوست که در این حالت وظیفه‌ی حکومت بازگرداندن کودک به شیوه‌ی درست زندگی و

اصلاح است که باید با ضوابط و شیوه‌های صحیح تربیتی صورت پذیرد. این ضوابط در مواردی، تأدیب کودکان را مجاز دانسته‌اند (قطب، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۳۲ و ۱۴۴). در تعزیرات می‌توان به هر شیوه‌ی جدیدی که نقش مؤثری در بازدارندگی داشته باشد، دست زد و دادرسی ویژه‌ای را ترتیب داد. ترتیب شیوه‌ی جدید نه تنها جایز است، بلکه اگر راه بازدارندگی منحصر به آن باشد، تعزیر به وسیله‌ی آن راه و روش جدید لازم است. بنا بر نظر مشهور فقهای امامی، بلوغ مبنای انتساب جرم به فاعل است. به تعبیر دقیق‌تر، رشد جسمی و عقلی لازم برای انتساب جرم به فاعل همواره و در تمام زمان‌ها با بلوغ به دست می‌آید. بر این اساس دختران ۶ سال زودتر از پسران به ادراک کامل دست می‌یابند و بلافاصله عهده‌دار مسئولیت کامل کیفری می‌شوند. بنا بر نظر آن‌ها، تواتر معنوی در بلوغ دختران در ۹ سالگی وجود دارد و این نظر موافق شهرت عملیه است و شهرت، موجب تشخیص حجت از لاجت است. در صورت پذیرش تعارض روایات مبنی بر بلوغ در ۹ سالگی با مضمون موثقه‌ی عمار ساباطی (بلوغ در ۱۳ سالگی)، اعراض اصحاب از عمل به این روایت از آن روست که روایات عمار خالی از اضطراب نیست. البته به نظر این فقها با وجود شبهه در بلوغ، به قاعده‌ی درء استناد می‌شود و در نتیجه حدود و قصاص ساقط است. به نظر آنان رسیدن به سن بلوغ شرعی یا ظهور علائم تکوینی بلوغ برای اجرای حدود و قصاص کافی است (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰-۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۶۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۰؛ قمی، ص ۶۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۹۵؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷-۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۵۱؛ شهید اول، ۱۴۱۱ق، ص ۵۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ص ۱۵ و ۶۶؛ نجفی، ج ۲۶، ص ۳۸-۳۹؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۱۸۸؛ امام خمینی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۵۲۲).

تأثیر تغییرات، نیازها و ضروریات جامعه را در احکام فقهی نباید نادیده گرفت. در گذشته با توجه به پیچیده نبودن زندگی و روشن بودن وظایف و مسئولیت‌های بزرگسالی در هر یک از جوامع کوچک انسانی، رسیدن به رشد عقلی هم‌زمان با بلوغ جنسی دور از انتظار نبود. تحوّل ادراکی، همواره ملازم با ظهور حالت زنانگی و حیض در زنان و احتلام در مردان نبود، اما به طور غالب این امور به طور هم‌زمان حاصل می‌شدند، از این‌رو در احادیث تحقق مسئولیت، هم‌زمان با ظهور هر یک از آن‌ها دانسته شده و بلوغ، اماره‌ی رشد و تکامل قوای ادراکی فرد پذیرفته شده است. شاید عبارت‌هایی چون "ان احتلم او حاضت قبل ذلک" و

"وان كان لم يحتلم" یا "احتلم ام لم يحتلم" در برخی روایات^۱ همراه با مطرح ساختن سن خاص، نشان دهنده‌ی آن باشد که در برخی مصادیق ممکن است هم‌زمانی میان بلوغ جنسی با ادراک وجود نداشته باشد. همچنین بر اساس برخی از احادیث^۲، زمان اقامه‌ی حدود علیه دختر و پسر، مقارن با خارج شدن آنان از یتیم و رسیدن به «ادراک» است. آن‌چه از احادیث استنباط می‌شود، دستیابی به مسئولیت کامل کیفری هم‌زمان با خارج شدن از یتیم و رسیدن به ادراک کامل است. باید توجه داشت که دیوانگان نیز بالغ می‌شوند، بی‌آن

۱. برای نمونه رک. به: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى (اشعری، امامی ثقه) عَنْ الْوَشَاءِ (الحسن بن علی، امامی ثقه) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ (مولی بنی هاشم، امامی ثقه) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ (إِذَا بَلَغَ أَشَدَّهُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ دَخَلَ فِي الْأَرْبَعِ عَشْرَةَ وَجَبَ عَلَيْهِ مَا وَجَبَ عَلَى الْمُحْتَلِمِينَ اِحْتَلَمَ أَوْ لَمْ يَحْتَلِمَ كَتَبَتْ عَلَيْهِ السَّنِيَّاتُ وَ كَتَبَتْ لَهُ الْحَسَنَاتُ وَ جَازَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ضَعِيفًا أَوْ سَفِيهًا) (حدیث صحیح و مسند) هنگامی که طفل کاملاً رشد یافت و ۱۳ سالگی را تمام کرد و وارد ۱۴ سالگی شد هر آن‌چه بر مسلمانان بزرگسال واجب است بر وی واجب می‌شود چه محتلم شده یا نشده باشد، گناهان و نیکی‌هایش هم نوشته می‌شود و انجام دادن هر کاری برای او جایز است مگر آن که ضعیف‌العقل یا سفیه باشد (کلینی، ج ۷، ص ۶۹).
عَنْهُ (محمد بن علی بن محبوب، امامی ثقه) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ (بن ابی الخطاب، امامی ثقه) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (بن فضال، فطحی ثقه) عَنْ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ (المدائنی، فطحی ثقه) عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ (فطحی ثقه) عَنْ عَمَّارٍ (بن موسی) السَّابِطِيِّ (فطحی ثقه و فی احادیثه اضطراب کثیر) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْعُلَامِ مَتَى تَجِبُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ؟ فَقَالَ: إِذَا أَتَى عَلَيْهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً فَإِنْ اِحْتَلَمَ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ جَرَى عَلَيْهِ الْقَلَمُ وَ الْجَارِيَةُ مِثْلُ ذَلِكَ إِنْ أَتَى لَهَا ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً أَوْ حَاضَتْ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ جَرَى عَلَيْهَا الْقَلَمُ. (حدیث موثق، مسند و مضمراً) اگر پسری به ۱۳ سالگی برسد یا پیش از آن محتلم گردد، نماز بر او واجب و احکام بر او جاری می‌شود. دختران نیز به همین صورت با ۱۳ ساله شدن یا حیض شدن پیش از آن، نماز بر او واجب و احکام بر او جاری می‌شود (طوسی، ج ۱، ص ۴۰۸).

۲. برای نمونه: عَنْهُ (محمد بن احمد بن یحیی الاشعری، امامی ثقه) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (محمد بن عبدالله بن احمد الجاموز، ضعفه القمیون و قد رمی بالغلو) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (بن الحسن الضریر) عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (الجهنی، امامی ثقه و من اصحاب الاجماع) عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ (لَا حَدَّ عَلَى مَجْنُونٍ حَتَّى يُفِيقَ وَ لَا عَلَى صَبِيٍّ حَتَّى يُذْرِكَ وَ لَا عَلَى النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ. (حدیث ضعیف، مسند و مضمراً). بر سه کس حد جاری نمی‌شود: کودک تا بالغ گردد، مجنون تا عاقل شود، خوابیده تا بیدار شود (صدوق، ج ۴، ص ۵۱؛ طوسی، ج ۱۰، ص ۱۵۲). به جای عبارت "حتی یحتلم" تعابیر دیگری مانند "حتی یعقل"، "حتی یشب"، "حتی یکبر" و "حتی یبلغ" نیز نقل شده است. این امر در کنار معتبر نبودن سند نقل حدیث از سوی شیعه و اهل سنت موجب ضعف حدیث شده است. برای صور مختلفی که این حدیث نقل شده است (امینی، ج ۶، ص ۱۰۲-۱۰۱).

که این مسئله تغییری در اهلیت آن‌ها ایجاد کند. ابراز بلوغ جنسی یا سنینی خاص به عنوان اماره‌ی رشد کامل عقلی در حقیقت امضای سیره‌ی عقلای آن روزگار بوده است. باید پذیرفت که رشد عقلی امری طبیعی است و راه‌های شناخت آن بر عهده‌ی عرف است و اماره‌ی شرعی خاصی ندارد. نمی‌توان تأثیر بلوغ در ادراک و عهده‌دار شدن تکلیف و مستحق عقوبت شدن با نافرمانی را نادیده گرفت و فرد را پس از بلوغ، فاقد مسئولیت کیفری تلقی کرد. به نظر می‌رسد شارع مقدس خواهان آن است که تعلیم و تربیت کودکان به گونه‌ای باشد که رشد حداقلی لازم برای قبول مسئولیت‌ها با رسیدن به بلوغ جنسی، حاصل شود. آموزش شیوه‌ی درست زندگی تا پیش از رسیدن به سن بلوغ جنسی را می‌توان از آموزه‌های قرآنی دانست (نساء، ۶). در احادیث هم به نوعی خواسته شده که فرد هم‌زمان با رشد و بلوغ کامل جسمی، به مرحله‌ای از بلوغ فکری و توانایی تصمیم‌گیری فردی برسد. با این وجود واقعیت این است که در حال حاضر، حدود دو یا سه سال بعد از بلوغ، ادراک کامل قابل انکار و نقض است. استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان، ساده‌ترین و دقیق‌ترین شیوه برای تعیین زمان رشد کامل عقلی است. در جامعه و اجتماع امروز رسیدن به رشد کیفری برای دختران و پسران یکسان اتفاق می‌افتد. آن‌ها از مسئولیت‌های همانندی در اجتماع برخوردارند و انتظارات یکسانی از آن‌ها وجود دارد. استناد به ظاهر روایات و پذیرش سن تعیین شده در آن‌ها به عنوان سن رسیدن به ادراک کامل و در نتیجه عهده‌دار شدن مسئولیت کامل نه تنها از زنان حمایت نمی‌کند، بلکه اجماع جهانی با آن مخالف است و جز فقه امامیه آن هم در ایران، در هیچ یک از کشورها و مذاهب دیگر پذیرفته نشده است. پذیرش تعبدی و توجه نکردن به اصول و مبانی حقوقی درست نیست. احکام، مطلوبات عرضی و امور آلی برای گسترش عدالت هستند و توجه به فلسفه و روح احکام لازم است. در منابع فقهی، همانند قرآن (نحل، ۹؛ حدید، ۲۵) از عدالت به عنوان سلسله‌ی علل احکام نام برده شده است و می‌تواند به عنوان یکی از معیارها و مقیاس‌های شناسایی احکام دین مورد استفاده قرار گیرد. آن‌چه مطابق عدالت است، جزئی از دین است و نمی‌تواند مخالف یا مقابل با آن باشد. در این میان مصادیق عدالت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و در اوضاع و احوال متفاوت، تغییر می‌کنند. تأثیر نیازها و ضروریات جامعه در تغییر مصادیق عدالت بر کسی پوشیده نیست. رعایت عدالت و مساوات و خودداری از بر هم زدن اصل مساوات بدون مجوز عقلی، شرعی و عرفی، از جمله اصول عقلی به شمار می‌روند. نظام مدنی و کیفری هر زمان باید بر پایه‌ی نیازهای جوامع آن زمان پایه‌گذاری شود به گونه‌ای که رعایت عدالت و

حفظ حقوق افراد به بهترین نحو ممکن در آن سیستم نظام‌مند تأمین گردد. توجه به عرف عقلا، علاوه بر این مورد در بسیاری از مصادیق و احکام فقهی مورد پذیرش شرع قرار گرفته است. بنای عقلا دارای حجیت ذاتی است. عمل به بنائات عقلایی لازم و ضروری است و عدم اقدام به آن، موجب اختلال نظام و هرج و مرج یا عسر و حرج می‌شود (امام خمینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۵). شرع نمی‌تواند مصالح و مفاسد عامه‌ی عقلایی را نادیده انگارد و برخلاف آن‌ها فرمان دهد. به نظر می‌رسد که شارع نه تنها مقررات زمان خود یعنی عرف جاهلی را امضا کرده است، بلکه احکام عرف عقلا را در تمام زمان‌ها مورد تأیید قرار داده است. توجه به سیره‌ی عقلا در تعیین ظهور ادله و طرد ظهور لغوی و تنقیح مراد جدی متکلم، می‌تواند راهگشا باشد. بیش‌تر بناهای عقلایی که در زمینه‌ی مصالح نوعی جوامع شکل می‌گیرد، مورد تأیید یا دست کم محل سکوت شارع است. علاوه بر این‌که تمسک به احکام حکومتی، می‌تواند در اعتبار بنای عقلا نقش چشم‌گیری داشته باشد و زمینه‌ی پذیرش بخشی از سیره‌ها و بناهای عقلایی را که با برخی از ظواهر شرعی سازگار نیست یا محل اختلاف است، فراهم کند.

آن چه عقل درمی‌یابد، لزوم دست‌یابی به اهلیت مدنی و کیفری به صورت تدریجی براساس میزان ادراک و رشد عقلی است. مینا و معیار، میزان رشد عقلی است و چون رشد از اموری است که به تدریج حاصل می‌شود، مسئولیت‌ها و حقوق نیز باید به میزان تکامل آن در افراد سنجیده شود. این فرض به طور کامل با تمام اصول عقلی و اخلاقی سازگار است و مبنا قرار دادن آن در احکام شرع به هیچ وجه نمی‌تواند غیرشرعی و مخالف با دین به حساب آید. در صورت شک به رشد کامل عقلی، باید حکم به عدم ادراک داد، زیرا در احکام جزایی عدم تحقق یا شک در تحقق موضوع، حکم را از درجه‌ی اعتبار و فعلیت ساقط می‌کند. عروض شبهه در امور کیفری موجب جریان قاعده‌ی درء می‌شود. احتیاط در دماء و نفوس ایجاب می‌کند که در عروض شبهه (شک در وجود رشد عقلی و ادراک جزئی)، احراز رشد کیفری شرط شود. با وجود تردید در رشد ادراکی و استقلال کامل شخصیتی نوجوانان، اجرای مجازات کامل کیفری منتفی است. علاوه بر این‌که ملاک در اجرای مجازات تشخیص جرم است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن‌ادریس حلی، محمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، ج ۲، قم، مؤسسه‌الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۰-۱۴۱۱ق.
۳. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی، *غنیة النزوع فی علمی الأصول و الفروع*، ج ۱، ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه الإمام الصادق "علیه السلام"، ۱۴۱۷ق.
۴. ابن‌فهد حلی، احمد بن محمد، *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، بی‌جا، مجتبی عراقی، قم، مؤسسه‌الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷-۱۴۱۳ق.
۵. ابوالروس، احمد، *الموسوعة الجنائیه الحدیثه (القصد الجنائی و المساهمة و المسئولیه الجنائیه و الشروع)*، بی‌جا، اسکندریه، المكتب الجامعی الحدیث، ۲۰۰۱م.
۶. ابوزهره، محمد، *الولاية علی النفس*، بی‌جا، قاهره، دارالفکر العربی، ۱۹۹۴م.
۷. اردبیلی، محمد علی، *حقوق جزای عمومی*، ج ۶، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲ش.
۸. خمینی، سید روح‌الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۰ق.
۹. _____، *انوار الهدایه*، ج ۱، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام، ۱۴۱۳ق.
۱۰. امینی، عبدالحسین احمد، *الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب*، ج ۴، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق/۱۹۷۷م.
۱۱. برگر، کاتلین استاسن، *روان‌شناسی رشد کودکان و نوجوانان*، بی‌جا، ترجمه و تلخیص اسماعیل سعدی پور (بیابانگرد)، تهران، دوران، ۱۳۸۸ش.
۱۲. بوشهری، جعفر، *حقوق جزاء اصول و مسائل*، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹ش.
۱۳. زکی أبو عامر، محمد، *قانون العقوبات اللبنانی*، بی‌جا، دارالجامعیه، ۱۹۸۱م.
۱۴. زلمی، مصطفی ابراهیم، *المسؤولیه الجنائیه فی الشریعة الاسلامیه: دراسة مقارنة بالقانون*، ج ۱، بغداد، جامعة بغداد، ۱۹۸۱-۱۹۸۲م.
۱۵. سیلامی، نوربیر، *المعجم الموسوعی فی علم النفس*، چاپ اول، ترجمه وجیه أسعد، دمشق، منشورات وزارة الثقافة فی جمهورية العربیه السوریه، ۲۰۰۰م.
۱۶. شاکری، طوبی، *بررسی خلاءهای قانونی حقوق کودک (۲): اطفال بزهکار و سیاست جنایی*، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۴ش.
۱۷. شامبیانی، هوشنگ، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱۳، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد و ژوبین، ۱۳۸۲ش.

۱۸. شعاری نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی رشد، چ ۴، تهران، کتاب‌فروشی تهران، ۱۳۴۹ ش.
۱۹. شوربجی، بشری، رعایة الأحداث فی الاسلام و القانون المصری، اسکندریة، بی‌چا، بی‌جا، ۱۴۰۵ ق/۱۹۸۵ م.
۲۰. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی، اللعة/الدمشقیة، چ ۱، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
۲۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللعة/الدمشقیة، چ ۱، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. صانعی، سید مهدی، "تأملاتی درباره‌ی تمایز جنسی و احکام مجازات در اسلام (میزگرد)"، پژوهش‌نامه‌ی متین، س ۱، ش ۲، بهار ۱۳۷۸ ش.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، کتاب من لایحضره الفقیه، چ ۲، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة، ۱۴۰۴ ق/۱۳۶۳ ش.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، چ ۴، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ ش.
۲۵. ———، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، چ ۳، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۰ ق/۱۳۶۵ ش.
۲۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، ارشاد الأذهان الی أحكام الإیمان، چ ۱، تحقیق فارس حسون، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعه المدرسین، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. عمادالدین اسماعیل، محمد، الطفل من الحمل الی الرشد (الجزء الثانی: الصبی و المراهق)، چ ۱، کویت، دارالقلم، ۱۴۰۹ ق/۱۹۸۹ م.
۲۸. فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد، حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی و عبدالرحیم بروجردی، چ ۱، قم، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، ۱۳۸۷-۱۳۸۹ ش.
۲۹. قطب، محمد، منهج التریبہ الاسلامیة، بی‌چا، بیروت، دارالشروق، ۱۴۰۶ ق/۱۹۸۶ م.
۳۰. قمی، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق بین الامامیة و بین ائمة الحجاز و العراق، حسین حسنی بیرجندی، چ ۱، قم، انتشارات زمینه‌سازان ظهور امام عصر (عج)، ۱۳۷۹ ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ ش.
۳۲. مامقانی، عبدالله، مناہج المتقین، بی‌چا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۳. محقق حلی، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیة، چ ۳، تهران، الدراسات الاسلامیة فی مؤسسه البعثة، ۱۴۱۰ ق.

۳۴. محمد عوض، عوض، *قانون العقوبات: القسم العام*، بی‌جا، اسکندریه، دار المطبوعات الجامعية، ۱۹۹۴م.
۳۵. محمود عوض، عباس، *المدخل الى علم نفس النمو: الطفولة- المراهقة- الشيخوخة*، بی‌جا، اسکندریه، دارالمعرفة الجامعية، ۱۹۹۹م.
۳۶. مرعشی، سید محمد حسن، "نظرات فقهی و حقوقی در خصوص بلوغ و رشد"، *ماهنامه‌ی دادرسی*، س ۴، ش ۲۱، مرداد و شهریور ۱۳۷۹ش.
۳۷. مقدس آردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان*، بی‌جا، مجتبی عراقی، علی پناه اشتهااردی و حسین یزدی اصفهانی، قم، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۱۲ق.
۳۸. منصور، محمود، *روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری*، چ ۹، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۸ش.
۳۹. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۶، چ ۶، علی آخوندی، قم، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۴-۱۴۰۴ق، ۴۳ج.
۴۰. ناعمی، علی محمد، *روان‌شناسی نوجوانی و جوانی (تحولات، مسائل، راهبردها)*، بی‌جا، سبزوار، بیهق، ۱۳۸۷ش.
۴۱. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *عوائد الأيام*، چ ۱، بی‌جا، مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ق / ۱۳۷۵ش.
۴۲. نوربها، رضا، *زمینه‌ی حقوق جزای عمومی*، چ ۸، تهران، کتاب‌خانه گنج دانش، ۱۳۸۲ش.

43. E. Côté, James, *Arrested Adulthood: The Changing Nature of Maturity and Identity*, New York and London, New York University, 2000.
44. Papalia, Diane E. and else's, *A Child's World: Infancy Trough Adolescence*, 1th edition, Boston, McGraw-Hill, 2002.
45. Rose, James, *Adolescence, in Human Development: An introduction to the psychodynamics of growth, maturity and ageing*, 4th edition, the Taylor & Francis e-Library, 2005.